

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان

## دوای دل بیمار

هفته قبل ، که من ، دینی ادا میکردم  
آنچه مسؤلیم بود ، بجا میکردم  
شعری نغزی که سروده ، به شما خواندمش  
حق ز باطل به مهارت که جدا میکردم  
با سخن ، چاره و درمان وطندار و وطن  
زخمهای دل بیمار ، دوا میکردم  
شکوه از آهن زنگیده و از زیور قلب  
وصف از جوهر الماس و طلا میکردم  
پرده ریب و ریا ، پاره ز اعمال شنیع  
برملا ، کار همه شیخ و مُلا میکردم  
مرض جهل و جهالت ، و تعصبا را  
به تدابیر حکیمانه شفا میکردم  
یک دو سه ساعتی بعدش ، به دگر برنامه  
اتفاقا نظری خویش رها میکردم  
دیدم از روی تصادف ، یکی از حضرت ها  
حرف بد میزد و من ، صبر خدا میکردم  
آنکه دعوی علوم همه ادیان دارد  
من ز حرفش ، عرقی ، از سر و پا میکردم  
واژه زشت و قبیح و ، شنیع بدبخت را

نسبتم داد ، که من شرم و حیا میکردم  
زخمی اندر جگر، از نیش و زبانش خوردم  
آتشی در دل ، از ان موج بلا میکردم  
چه کنم حرمت پیران و بزرگان بودی  
ورنه گردش به دوسه بیت ، هوا میکردم  
یا که از تاپه و مُهرش ، به همه اهل جهان  
معرفی ، همه ، بی سر و پا میکردم  
احترام سن و ، هم ریش سفید است مرا  
گر نبودی به خدا ، حشر به پا میکردم  
اینچنین زیر و بمی ، بار دگر ، گر شنوم  
آن کنم ، گویدم ای کاش ، ابا میکردم  
باید آن هردو بدانند ، که با کی طرفند  
ورنه با شعر و ادب ، بین که چه ها میکردم  
حال آن حضرت و آن حضرته، باعرض ادب  
معذرت خواسته گویند که خطا میکردم  
تا که منمم گذرم از گنه هر دوی شان  
نه که افشای خطا در همه جا میکردم  
قبل ، از آنکه ، نویسم به مجلات جهان  
لازم افتاد ، شکایت به شما میکردم  
« نعمتا » شکوه بیهوده نکردم ز کسی  
صرف ، فرضی که مرا بود ، ادا میکردم